

بررسی تأثیر بکارگیری شیوه‌های جنگ ناهمپراز در مقابله با تهدیدات از منظر سردار سر لشکر پاسدار شهید حاج حسین همدانی

حسین غلامی^۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۱۸

چکیده

به‌طور کلی جنگ ناهمپراز مفهومی است که چگونگی شکست طرف قوی را از طرف ضعیف توضیح می‌دهد. برای بررسی شیوه‌های جنگ ناهمپراز در مقابله با تهدیدات، در این تحقیق به دو حوزه عملیات جنگ درون‌شهری (چریکی) و جنگ اطلاعات اشاره و مورد بررسی قرار گرفته است. از بین نخبگان نظامی کشور که آگاهی مناسبی از جنگ ناهمپراز داشته‌اند، تعداد ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب و پرسشنامه‌ای مناسب در اختیار آنان قرار گرفت. نتایج به‌دست آمده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. این تحقیق ضمن دستیابی به مؤلفه‌های جنگ ناهمپراز تلاش دارد، با تعیین میزان تأثیر شاخص‌هایی که سردار شهید حاج حسین همدانی در جنگ ناهمپراز جهت کارایی مؤلفه‌ها در مقابل تهدیدات نظامی به‌دست آورده است، را با استفاده از پرسشنامه و انجام مصاحبه مشخص کند.

کلید واژه‌ها: جنگ ناهمپراز، جنگ درون‌شهری (چریکی)، جنگ اطلاعات، سردار شهید حاج حسین همدانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و دفاع مقدس دانشگاه ارومیه، Info.gholami@yahoo.com

مقدمه

به کارگیری الگوی جنگ ناهمطراز به همان اندازه که، طیف وسیعی از فرصت‌های متنوع را فراروی طراحان دفاعی در سطوح مختلف جنگ می‌گستراند؛ تهدید، دل‌نگرانی و تردید را نیز به اردوگاه طرف مقابل تحمیل می‌نماید؛ چرا که با ابتکار عمل، اقدامات غیر منتظره، به کارگیری ابزار نامرسوم، غافلگیری، فریب و عزم و اراده پولادین می‌توان سررشته امور را از مدار پیش‌بینی-های مبتنی بر راهبرد دشمن خارج ساخت و انسجام راهبرد دشمن را به‌عنوان قابلیت‌های حیاتی از هم گسیخت.

تحقیق حاضر در پی آگاهی بیشتر و شناخت مؤلفه‌های جنگ ناهمطراز در قرن حاضر با آموزه‌های نخبگان نظامی به‌طور ویژه سردار شهید حاج حسین همدانی می‌باشد و بر آن است تا ضمن بررسی شیوه‌های متداول و مورد پذیرش اکثر تحلیل‌گران نظامی در خصوص جنگ ناهمطراز، توانایی نظام دفاعی کشور را در به کارگیری مؤثر این روش‌ها مورد پژوهش و بررسی قرار داده تا بتوان با نتایج حاصل از آن گامی هر چند ناچیز در پویایی تفکرات نوین نظامی و دفاعی برداشته شود.

بیان مسئله

جنگ، پدیده‌ای اجتماعی است که قدمت آن به قدمت حیات بشر می‌رسد. شکل‌گیری این پدیده، متأثر از ویژگی‌های انسان همچون عقل، تفکر، تدبیر، تصمیم‌گیری، تمایل و ... می‌باشد. مبانی دینی، می‌داند که گرایش بالا منجر به شکل‌گیری دو جبهه حق و باطل در طول تاریخ گردیده است (خودسیانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۰). اگر چه واژه ناهمطراز (عدم تقارن) به تازگی وارد ادبیات راهبردی نظام دفاعی کشور آمریکا شده است، ولی این یک نظریه جدید نیست. متفکران و اندیشمندان عرصه جنگ، همیشه اجتناب از توانمندی‌های دشمن و یافتن نقاط ضعف او را به‌عنوان یکی از راز و رمزهای پیروزی توصیه نموده‌اند. این منطق اصلی کلیه تلاش‌های رقابتی در زمینه‌های مختلف و از جمله جنگ است. اصل و شاکله جنگ ناهمطراز به دنبال پاسخ به این سؤال است که در منازعات میان بازیگران چگونه راهبرد یک بازیگر ضعیف می‌تواند قدرت یک بازیگر قوی را ناکارآمد کند. براساس منطق روابط بین‌المللی چنانچه قدرت، متضمن پیروزی

در جنگ باشد بازیگران ضعیف هیچ‌گاه نباید بر رقبای قدرتمند فائق آیند؛ به‌ویژه زمانی که فاصله زیادی بین قدرت دو بازیگر وجود داشته باشد (کرمی، ۱۳۸۸: ص ۱۴۷).

امروزه با پایان گرفتن جنگ سرد و فرو ریختن اسطوره‌های دیوار آهنین شوروی، سیاستمداران ایالات متحده تلاش دارند آن را به معنای پیروزی لیبرال دمکراسی غربی تلقی کرده و همه کشورهای جهان را تحت نظام حاکمیت مورد نظر و ایده آل خود با ارائه نظریه نظم نوین جهانی درآوردند. امروزه یکی از گزینه‌های مهم در این چالش فرارو، انتخاب تاکتیک‌های دفاعی به دلیل نامتعادل و نابرابر بودن میزان تهدیدات و قدرت نظامی و تکنولوژیکی آمریکا و متعهدانش بر ما و حتی آنها روی آوری به پدیده جنگ ناهمپراز است. استراتژیست‌ها، جنگ ناهمپراز را به‌عنوان نبردی که از حالت هنجار و قاعده طبیعی خارج شده و از روشی غیرمستقیم برای تأثیرگذاری بر یک نیروی نامتعادل استفاده می‌کنند، می‌دانند. کنت مکنزی در کتاب جنگ نامتقارن خود آخرین تعریف را درباره جنگ ناهمپراز به‌صورت زیر بیان کرده است:

«بکارگیری رویکرد غیر قابل پیش‌بینی یا غیر متعارف برای خنثی نمودن یا تضعیف قوای دشمن با تکیه به نقاط قوت خود و بهره‌برداری از نقاط ضعف او از طریق فناوری غیرقابل انتظار یا روش‌های مبتکرانه»

ضروریست در عصر ظهور تهدیدات با ماهیت عدم تقارن، قبل از هر چیز ضمن آگاهی و شناخت توانایی‌های خود و کشف نقاط آسیب‌پذیر دشمن شیوه‌ها و مؤلفه‌های جنگ ناهمپراز را بیابیم و متناسب با میزان توانایی، قدرت و توان رزمی خود آنها را بکار بگیریم (حبیبی، ۱۳۸۶: ۱۱). این تحقیق ضمن دستیابی به مؤلفه‌های جنگ ناهمپراز تلاش دارد، با الهام از آموزه‌ها و الگوپذیری از سردار سرلشگر پاسدار شهید حاج حسین همدانی، با طرح مسئله میزان تأثیر بکارگیری شیوه‌ها و مؤلفه‌های جنگ ناهمپراز در نظام دفاعی ما برای مقابله با تهدیدات نظامی، در کار آمد کردن جنگ ناهمپراز قدم بردارد.

پرسش تحقیق

بکارگیری شیوه‌های جنگ ناهمپراز در تحقق اهداف سردار سرلشگر پاسدار شهید حاج

حسین همدانی چه تأثیری داشت؟

اهداف تحقیق

هدف کلی تحقیق، بررسی تأثیر بکارگیری شیوه‌های جنگ ناهمپراز در مقابله با تهدیدات نظامی از منظر سردار شهید حاج حسین همدانی است که برای دستیابی به آن، حصول به اهداف اجرایی و اختصاصی مشروحه زیر ضرورت دارد:

الف) تعیین میزان تأثیر بکارگیری دانش نخبگان نظامی کشور در جنگ اطلاعات، تحت عنوان شیوه‌های جنگ ناهمپراز علیه تهدیدات نظامی.

ب) تعیین میزان تأثیر بکارگیری دانش نخبگان نظامی کشور در جنگ درون شهری (چریکی)، تحت عنوان شیوه‌های جنگ ناهمپراز علیه تهدیدات نظامی.

اهمیت موضوع تحقیق

در مقابله با تهدیدات ناهمپراز هدف اصلی جلوگیری از تأثیرات نامتناسب این نوع تهدیدات می‌باشد. تأثیر نامتناسب مضمون اصلی جنگ ناهمپراز است و باید در تمام سطوح جنگ با آن مقابله شود. اولین گام در جهت آمادگی دفاعی براساس برخورد با حوادث و جنگ‌های احتمالی آینده فراروی ملت و دولت‌ها، ابتدا درک صحیح از میزان تهدیدات علیه کشور و سپس فهم نحوه نگرش دشمنان آینده به جنگ‌های احتمالی و همچنین تلقی آنها از محیط‌های جنگی آینده است. گام بعدی نیز استفاده از دانش و تجربه نخبگان نظامی برای مرتفع نمودن هر نوع تهدید برای کشور می‌باشد.

بنابراین شناخت شیوه‌ها و مؤلفه‌های جنگ ناهمپراز و کسب آگاهی کافی در اجرای این شیوه‌ها و بررسی میزان تأثیرگذاری آنها برای مقابله با تهدیدات ناهمپراز نیازمند پژوهش و تحقیقات در این زمینه می‌باشد. محقق با استفاده از دانش نظامی استاد جنگ‌های ناهمپراز محور مقاومت، سردار سرلشگر پاسدار شهید حاج حسین همدانی به بررسی تأثیر بکارگیری شیوه‌های جنگ ناهمپراز در مقابله با تهدیدات نظامی پرداخته و تلاش کرده است جمع‌آوری اطلاعاتی در این زمینه با استفاده از پرسشنامه و همچنین روایات شهید حاج حسین همدانی این تحقیق را به رشته تحریر درآورد.

فرضیه تحقیق

در این تحقیق، متغیرهای اثرگذار مانند: شیوه‌های جنگ ناهم‌تراز و شهید حاج حسین همدانی به‌عنوان متغیرهای اساسی مورد بحث محقق در نظر گرفته شده‌اند و محقق فرضیه‌های خود را با توجه به اطلاعات و یافته‌های کتابخانه‌ای، پرسشنامه‌ای و روایاتی از سردار شهید و همچنین با استفاده از تحلیل گران نظامی استنتاج کرده است.

الف) احتمالاً بکارگیری جنگ اطلاعات، شیوه‌ای ناهم‌تراز برای مقابله با تهدیدات نظامی هم در دوران دفاع مقدس و هم در جنگ‌های کنونی (برون کشوری) می‌باشد.

ب) احتمالاً بکارگیری جنگ درون شهری (چریکی)، به‌عنوان یک روش برای مقابله با تهدیدات نظامی نیازمند کسب دانش تخصصی با استفاده از آموزه‌های نظامی می‌باشد.

روش اجرای تحقیق

تعیین و تعریف جامعه آماری

جامعه آماری مورد تحقیق، نخبگان نظامی نیروهای مسلح کشور هستند که پیرامون جنگ ناهم‌تراز آگاهی مناسب داشته‌اند. اینان از میان هم‌زمان شهید حاج حسین همدانی و همچنین از افسران ارشد مطلع و به‌صورت خوشه‌ای تصادفی انتخاب گردیده‌اند.

اسناد و مدارک

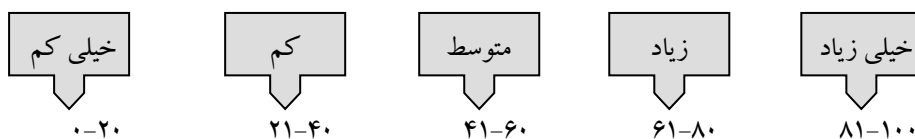
محقق به‌منظور گردآوری اطلاعات در خصوص موضوع تحقیق به کتابخانه‌ها و مراکز نیروهای مسلح کشور مراجعه و نسبت به جمع‌آوری اطلاعات از روی منابع اقدام کرده است.

پرسشنامه

محقق برای بدست آوردن میزان توانایی سردار شهید حاج حسین همدانی در راستای بکارگیری شیوه‌های جنگ ناهم‌تراز در برابر تهدیدات نظامی با استفاده از داده‌های حاصل از پرسشنامه، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات در این زمینه نموده و این نتایج را در اختیار هم‌زمان شهید و همچنین افسران ارشد مطلع قرار داده است.

محقق سؤالات را از نوع سؤالات چند جوابی انتخاب کرده تا توسط آنها بتواند کارایی و تجربه سردار شهید در حوزه جنگ‌های درون شهری (چریکی) و جنگ اطلاعات را بدست آورده

و در تعیین ارزش نهایی کمیت متغیرها اندازه گیری نماید. نتیجه نهایی تحقیق پس از جمع آوری داده‌های حاصل از پرسشنامه در خصوص متغیرهای مستقل مؤثر در میزان توانایی سردار شهید حاج حسین همدانی جهت مقابله با تهدیدات نظامی در یک جنگ ناهمطراز به وسیله تجزیه و تحلیل آماری بر مبنای مقیاس نسبی با فواصل زیر محاسبه می‌گردد.



تعاریف و مفاهیم تحقیق

تعریف جنگ ناهمطراز

تاکنون تعریف‌های گوناگونی از جنگ ناهمطراز ارائه شده است؛ مانند منصفانه نجنگیدن خصم، یا درگیری میان دو نیروی نامتجانس، مانند درگیری میان نیروی هوایی با زمینی در ادامه به چند نمونه از آنان اشاره می‌گردد:

- عدم برابری و عدم همطرازی نظامی بین طرف‌های درگیر در یک صحنه جنگ؛
- یک درگیری خارج از اصل و قاعده پذیرفته شده در جنگ‌های کلاسیک؛
- برخورد منطقی با شرایط، زمانی که می‌دانیم به هیچ‌وجه نمی‌توان از طریق مرسوم و شیوه‌های جنگ کلاسیک دشمن را مغلوب کرد (استیون متر، ۱۳۸۱: ۵۳).

تعریف کاربردی نیروی زمینی از جنگ ناهمطراز

«دشمنان ممکن است تلاش کنند تا با استفاده از نقاط ضعف ما و به کارگیری شیوه‌های کاملاً متفاوت با شیوه‌ی عملیات‌های نظامی آمریکا، قوای ما را مغلوب یا تضعیف کنند». تعریف استیون متر از ناهمطراز، که مبنای بسیاری از مباحث اصلی در حوزه عدم تقارن است، عبارتست از: در امور نظامی و امنیت ملی، عدم تقارن به معنی عملیات، سازماندهی و اندیشه‌ورزی متفاوت از دشمن به منظور به حداکثر رساندن برتری‌های خودی و بهره‌برداری از نقاط ضعف

دشمن، به دست گرفتن ابتکار عمل یا به دست آوردن آزادی عمل بیشتر است. این عدم تقارن می‌تواند راهبردی سیاسی، نظامی عملیاتی یا ترکیبی از اینها باشد. همچنین می‌تواند شیوه‌ها، فناوری‌ها، ارزش‌ها، سازمان‌ها، نسبت‌های زمانی و یا ترکیب‌هایی از اینها را شامل شود. این عدم تقارن می‌تواند کوتاه‌مدت یا بلندمدت باشد؛ می‌تواند جدا از این مباحث به دنبال نگرش‌های متقارن باشد. همچنین این عدم تقارن هر دو بعد فیزیکی و روانی جنگ را شامل می‌شود (استیون‌متر، ۱۳۸۱: ۵۴).

از مجموع تعاریف می‌توان به عناصر اصلی زیر، که در نبرد ناهم‌تراز مدنظر است، اشاره کرد:

الف) بهره‌گیری از نقاط ضعف و آسیب‌پذیری دشمن؛

ب) استفاده از فناوری‌های پیشرفته و غیر قابل انتظار؛

ج) استفاده از روش‌های مبتکرانه؛

د) تضعیف اراده دشمن برتر؛

ه) تأکید بر تأثیر نامتناسب (دستیابی به اهداف راهبردی با استفاده از منابع اندک) (رشید، ۱۳۸۲:

۹۱).

تعریف جنگ اطلاعات

به معنی تغییر توازن دانش اطلاعات به سود نیروهای خودی با آگاهی از همه فعالیت‌های دشمن و ممانعت از دسترسی او به اطلاعات مربوط به خود می‌باشد (حبیبی، ۱۳۸۶: ۱۹).

تعریف جنگ درون شهری (چریکی)

طرح‌ریزی و هدایت هر نوع عملیات رزمی بر علیه هدف‌های نظامی در یک مجموعه مسکونی شهری و منطقه طبیعی مجاور آن که با تأسیسات مصنوعی ساخت بشر و تراکم جمعیتی افراد غیر نظامی مشخص می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۶: ۲۰).

جنگ اطلاعات

اطلاعات

در عصر کنونی تغییرات کیفی که در محیط اطلاعاتی به وجود آمده است، نشان می‌دهد که برتری اطلاعاتی از مرز جمع‌آوری اطلاعات فراتر بوده است. عبارت «برتری اطلاعاتی» بر حالت یا وضعیت عدم تعادل به نفع یکی از طرفین دلالت می‌کند. برتری اطلاعاتی زمانی که به شکل کارآمدی به دانش و تصمیمات برتر تبدیل گردد، برای نیروی عمل‌کننده مزیت رقابتی فراهم خواهند کرد. اطلاعات برتر مبدل شده به دانش برتر، باید در جهت تصمیم‌گیری بهتر و سریع‌تر به کار گرفته شود. پیش‌نیاز هر اقدام تاکتیکی و عملیاتی توسط دشمن، کار اطلاعاتی است.

دشمن تا به نتیجه و برآورد قطعی اطلاعاتی نرسد، عمل نخواهد کرد؛ لذا باید تلاش شود تا دشمن در مرحله جنگ اطلاعاتی متوقف شده و هیچ‌وقت به برآورد قطعی و تصمیم در شرایط اطمینان نرسیده و نیازهای اطلاعاتی‌اش تأمین نشود. باید به گونه‌ای عمل کرد که هیچ‌وقت برآورد اطلاعاتی دشمن از قابلیت و توانایی‌های نیروهای خودی کامل نشود؛ انتهای قدرت خودی را نتواند تخمین زده و نیات، راهبردها و طرح‌های ما را شناسایی نکند (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۵۹)

فریب اطلاعاتی

فریب، اقداماتی را شامل می‌شود که باعث گمراهی تصمیم‌گیران دشمن نسبت به توانایی‌ها، مقاصد و عملیات نیروهای خودی گردد. به این وسیله دشمن اقداماتی را انجام می‌دهد که در موفقیت مأموریت نیروهای خودی نقش دارد. فریب به حصول یک هدف احساسی و ادراکی کمک می‌کند و خود یک هدف اصلی به شمار نمی‌رود.

انحراف در ادراک می‌تواند به دو صورت به وجود آید:

- ۱- فریب شبهه‌آمیز، که نسبت به یک واقعیت ابهام ایجاد می‌کند؛
 - ۲- فریب گمراه‌کننده که نسبت به یک امر غیر واقعی اطمینان ایجاد می‌کند.
- در مقوله اطلاعات فریب عبارت است از، هر کاری که موجب فریب و ایجاد درک مجازی دشمن نسبت به واقعیت‌های خودی شود، در واقع در فریب اطلاعاتی، جنگ، جنگ القای واقعیت، با عنوان «مجاز» و القای مجاز با عنوان «واقعیت» است.

در واقع در این فضا باید بتوانیم ادراک دشمن و طرف مقابل را مدیریت نماییم، تا او براساس داده‌های عمدی و جهت‌دار ما محیط ذهنی‌اش را آرایش دهد. سیستم تصمیم‌گیری دشمن تابع سیگنال‌هایی است که ما منتشر می‌کنیم، نه آنچه که او به دست می‌آورد؛ بنابراین در یکجا حفاظت از اطلاعات، اقتضای جلوگیری از انتشار امواج و در جایی دیگر اقتضای آن انتشار اطلاعات و امواج جهت‌دار است؛ زیرا فضایی مه‌آلود، ابهام‌آمیز و غیر واقعی و مجازی ایجاد کرده و از آن طریق می‌تواند ادراکات دشمن را مدیریت کند، تا دشمن در هدف‌یابی و هدف‌گزینی همواره در تردید و ابهام به سر ببرد (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۶۰).

اصل اشراف اطلاعاتی

ماشین جنگی دشمن که به مثابه یک سیستم است، نمی‌تواند بدون اطلاعات کافی عمل کند. یک اشتباه باعث اشتباه کل سیستم می‌شود؛ یعنی هر هدف باید در ابتدا شناسایی، گزینش، ارزشیابی و سپس مورد اصابت قرار گیرد و این اقدام فقط با کار اطلاعاتی امکان‌پذیر است. به این لحاظ ۸۰٪ قدرت دشمن متکی به کار اطلاعاتی است، به‌خصوص هدف‌گزینی و هدف‌یابی.

قدرت رزمی که دشمن در اختیار دارد، بسیار گران‌قیمت، پیچیده و تا اندازه‌ای محدود است؛ بنابراین تجهیزات و قدرت نظامی دشمن باید به اهدافی اصابت نمایند که ارزش اقتصادی قابل ملاحظه‌ای داشته باشند یا اینکه ارزش یا کیفیت راهبردی بالایی ایجاد نماید (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۶۱).

نقش سردار شهید حاج حسین همدانی در جنگ اطلاعات

در اینجا آنچه که شخصیت سردار شهید حاج حسین همدانی را بارز می‌کند، شناخت او از شرایط موجود و اقدامات و تصمیم‌گیری‌های او در شرایط جنگی بوده است. در عملیات فتح‌المبین در دوران دفاع مقدس شهید حسن باقری این عملیات را بر اساس اطلاعات شهید حاج حسین همدانی طراحی کرد. این عملیات که در فروردین ماه سال ۱۳۶۱ انجام شد، گسترده‌ترین عملیات در شمال خوزستان بود که مسئولیت گشت‌زنی و شناسایی در محور بلتا (تپه بلتا یکی از عوارض حساس غرب رود کرخه است که در شمال غرب دهکده بلتا و در جنوب

ارتفاعات شاوریه و دهلیز و در شمال جاده اندیمشک-دهلران قرار دارد و مرکز دیده‌بانی دشمن بود) به ایشان واگذار شد.

ایشان در عقبه دشمن نفوذ یافت و شهید حسن باقری در آن زمان عملیات را با اطلاعات سردار شهید حاج حسین همدانی طراحی کرد؛ چرا که سردار همدانی به کار خود به خوبی واقف بود و حتی به عقبه دشمن می‌رفت و جان خود را به خطر می‌انداخت. نیروهای اطلاعات و عملیات تیپ ۲۷ محمدرسول‌الله علیه‌السلام تحت کنترل محمود شهبازی و با فرماندهی سردار همدانی برای شناسایی منطقه عملیات فتح‌المبین، محور بلتا را که شامل ۴ سنگر اجتماعی بود در آن منطقه راه‌اندازی کردند. گروه شناسایی این تیپ در آن مستقر شده و کار شناسایی را از تپه‌های بلتا که حدود ۲۵ دستگاه تانک در آن مستقر بود را آغاز نموده سرانجام رزمندگان قرارگاه نصر در مرحله اول عملیات فتح‌المبین این مناطق را آزاد کردند (میرزایی، ۱۳۹۴).

جنگ درون شهری (چریکی)

جنگ درون شهری به‌عنوان آخرین گزینه در یک نبرد نابرابر ولی به‌عنوان مشخصه بزرگ جنگ‌های قرن بیست و یکم که عصر واحدهای عملیاتی مستقل کوچک نام گرفته است، مطرح است. دلیل این انتخاب، آن است که جنگ درون شهری دارای یک ابزار استراتژیکی «خود دفاعی پیشگام مردمی» است که قادر می‌باشد به سرعت توسعه و گسترش یابد و از پتانسیل قوی «فضای دفاعی» مناسب برخوردار است. کشیده شدن جنگجویان و چریکها به درون شهرها یک تاکتیک اجباری برای مبارزه و مقابله با دشمن برتر با ماهیت اشغالگری که نتیجه دخالت مستقیم قدرت‌های قوی در کنترل و ادامه سلطه‌ست، محسوب می‌شود. آنها محیط شهری را به‌عنوان تنها و آخرین سنگر برای به‌دام انداختن و ضربه زدن به نیروهای دشمن قوی‌تر در یک نبرد نابرابر و ناهمگن با ماهیت عدم‌تقارن انتخاب کرده‌اند (حبیبی، ۱۳۸۶: ۲۸).

نقش سردار شهید حاج حسین همدانی در جنگ درون شهری (چریکی)

سردار شهید همدانی در جبهه سوریه حضور داشت و از آنجا که ماهیت جنگ سوریه، یک جنگ چریکی است، ارتش سوریه به‌عنوان یک ارتش کلاسیک آمادگی مقابله و درگیر شدن در چنین جنگی را نداشت. ارتش سوریه مانند ارتش هر کشور دیگری آمادگی‌هایی که دیده بود،

آموزش‌های جنگ با ارتش‌های کلاسیک بود؛ اما به ناگاه درگیر جنگ تمام عیار با گروه‌هایی شد که مشی جنگ چریکی را دنبال می‌کردند، لذا به خاطر همین بی‌تجربگی و نداشتن آموزش کامل، در ابتدای بحران سوریه به سرعت گروه‌های تکفیری رشد کرده و قدرت گرفتند؛ به گونه‌ای که چیزی نمانده بود که پایتخت سوریه هم سقوط کند. در چنین شرایط سختی، سردار سرلشگر پاسدار شهید حاج حسین همدانی مسئولیت خدمات مستشاری را بر عهده گرفت و با کوله‌باری از تجربه و روحیه جهادی تمام آنچه را که می‌دانست و در طول تاریخ انقلاب اسلامی تجربه کرده بود به‌طور خالصانه در اختیار ارتش و دولت سوریه گذاشت. بعد از آموزش‌های چریکی به ارتش سوریه، ارتش این کشور نه تنها از سقوط دمشق جلوگیری کرد بلکه موفق شد بار دیگر زمام مبارزه را در دست گرفته و بسیاری از مناطق را که به دست گروه‌های تروریستی و تکفیری افتاده بود، را بازپس بگیرد.

نقش سردار شهید همدانی در دفاع از حرم اهل بیت علیهم‌السلام از این نظر مهم بود که در آن زمان چیزی نمانده بود که حرم‌های شریف بخصوص حرم حضرت زینب علیها‌السلام در سوریه سقوط کرده و به دست تکفیری‌ها بیفتد؛ حتی تکفیری‌ها تا دیوارهای حرم حضرت زینب علیها‌السلام پیشروی کرده بودند و به صراحت گفته بودند که در صورتی که موفق شوند آن منطقه را بگیرند، حرم را با خاک یکسان خواهند کرد. در چنین شرایطی بود که سردار شهید همدانی با یارانشان (که آنها هم در کنار شهید همدانی نقش بسیار زیادی را ایفا کردند)، تحت فرماندهی سردار سلیمانی موفق شدند نه تنها حرم حضرت زینب علیها‌السلام، بلکه مناطق مجاور حرم و حومه دمشق را از دست تروریست‌ها آزاد و نگرانی جهان تشیع را برطرف کنند؛ چرا که شیعیان به شدت نگران این بودند که حرم حضرت زینب به دست گروه‌های تکفیری بیفتد (فرهنگ ایشار و شهادت، ۱۳۹۴).

تجزیه و تحلیل شاخص‌ها و آزمون فرضیه‌ها

بیان فرضیه اول

با توجه به فرضیه، احتمالاً بکارگیری جنگ اطلاعات، شیوه‌ای ناهم‌تراز برای مقابله با تهدیدات نظامی که هم در دوران دفاع مقدس و هم جنگ کنونی (برون کشوری) است، می‌باشد. به‌منظور آزمون‌های فرضیه ۵ شاخص توانایی سردار شهید در بکارگیری جنگ اطلاعات،

همکاری سردار شهید با نیروهای تحت امر خود، مدیریت سردار شهید همدانی، برنامه‌ریزی اطلاعاتی در موقع بحران و استفاده از شیوه‌های روز دنیا در جنگ اطلاعات در قالب ۵ سؤال زیر از جامعه آماری به‌وسیله پرسشنامه پرسیده شد که تجزیه و تحلیل نهایی آن به شرح زیر به دست آمد:

- شرح و تفسیر جدول‌های مربوط به شاخص‌ها؛
- پیدا کردن شاخص‌ها مرکزی و پراکندگی؛
- تعمیم دادن داده‌ها به جامعه آماری؛
- آزمون استقلال فراوانی‌های شاخص‌ها به کمک آزمون خی‌دو؛
- آزمون فرضیه‌ها توسط مراحل (آماره آزمون، مقدار بحرانی، تصمیم‌گیری) و جدول توافقی برای رد یا تأیید آنها؛
- از آنجا که پژوهشگر از مقیاس اندازه‌گیری «اسمی» استفاده کرده است بنابراین ملزم به استفاده از آزمون‌های غیر پارامتریک شده که از میان آنها «آزمون خی‌دو» را برای آزمون فرضیه‌های خود انتخاب کرده است؛
- درجات آزادی در هر شاخص آماری مساوی تعداد ارزش‌های است که آزادانه دستخوش تغییر می‌شوند. مطابق یک قانون کلی برابر است با حاصل ضرب تعداد ردیف‌های هر جدول منهای یک در تعداد ستون‌های آن منهای یک یعنی:

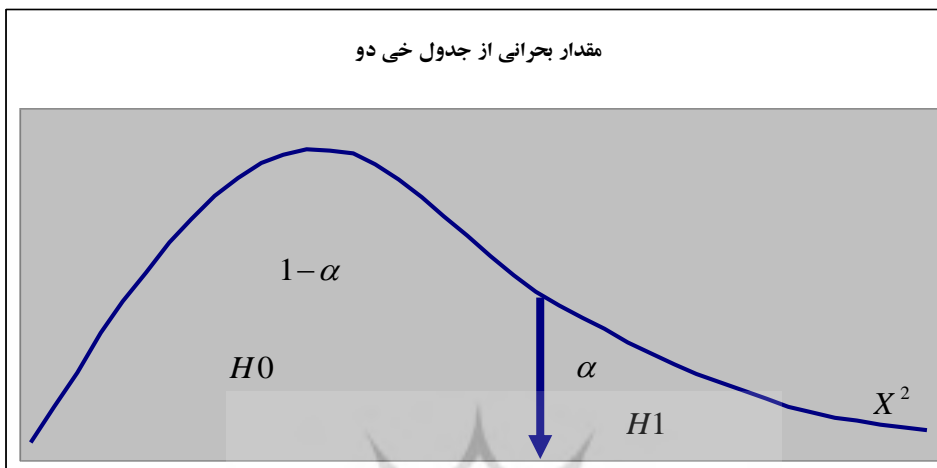
$$d.f = (Row-1) \times (Colum-1)$$

آزمون استقلال فراوانی‌ها

آزمون (x^2) یا توزیع کای-مربع برای بررسی استقلال یا همبستگی بین دو متغیر بکار می‌رود چنانچه x^2 محاسبه شده از نظر آماری معنادار نباشد فرض استقلال یا عدم وابستگی متغیرها یا فرض صفر h_0 تأیید می‌شود اما اگر x^2 از نظر آماری معنادار شود فرض صفر رد می‌شود و فرض مقابل h_1 تأیید می‌شود نتیجه آنکه دو متغیر مستقل نیستند بلکه به هم وابسته می‌باشند و همبستگی دارند.

آزمون استقلال کای-مربع یک آزمون یک دنباله است که همواره h_1 به اندازه a در

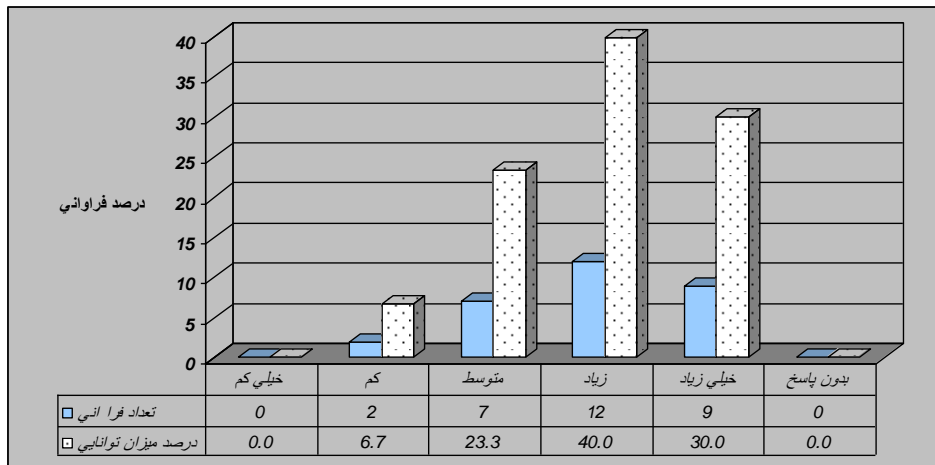
دنباله راست آن تعریف خواهد شد.



بنا به شکل بالا اگر مقدار مجذور کای x^2 از مقدار بحرانی بدست آمده بیشتر باشد در محدوده h_1 قرار می‌گیرد و بنابراین h_1 پذیرفته (وجود رابطه معنادار و بنابراین وجود همبستگی و وابستگی بین دو متغیر) و h_0 رد می‌شود و بالعکس اگر مقدار مجذور کای x^2 از مقدار بحرانی بدست آمده از جدول پیوست کمتر باشد در محدوده h_0 قرار می‌گیرد و بنابراین h_0 پذیرفته (عدم رابطه معنادار) و یعنی رابطه‌ای بین متغیرهای مورد نظر وجود ندارد. این موضوع محقق را قادر ساخته است تا از هر شاخص به صورت جداگانه اطلاعات آماری آن را استخراج و در تحلیل‌های دیگر مرتبط با موضوع از آنها بهره‌بردارد. لازم به ذکر است که محقق نیز به دلیل استفاده از آزمون‌های غیر پارامتریک از «آزمون خی دو» برای آزمون نهایی فرضیه‌های خود به کمک جداول توافقی استفاده کرده است.

اولین شاخص از فرضیه اول به صورت زیر به عنوان نمونه آورده می‌شود:

سؤال اول (فرضیه اول): توانایی و حضور سردار شهید حاج حسین همدانی را در دوران دفاع مقدس و جنگ‌های معاصر را تا چه اندازه در بکارگیری جنگ اطلاعات علیه تهدیدات نظامی کشور مؤثر می‌دانید؟



منبع: داده‌های حاصل از جمع‌آوری پرسشنامه

شرح و تفسیر جدول

اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد که جامعه نمونه میزان و حضور سردار شهید حاج حسین همدانی را در دوران دفاع مقدس و جنگ‌های معاصر را در بکارگیری جنگ اطلاعات علیه تهدیدات نظامی کشور را به صورت زیر مؤثر می‌دانند: ۳۰ درصد خیلی زیاد، ۴۰ درصد زیاد، ۲۳/۳ درصد متوسط، ۶/۷ درصد کم و ۰ درصد خیلی کم. تعداد ۱۲ نفر و یا ۴۰ درصد از پرسش‌شوندگان زیاد و ۹ نفر و یا ۳۰ درصد خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند. نتیجه آنکه جامعه نمونه میزان و حضور سردار شهید حاج حسین همدانی را در دوران دفاع مقدس و جنگ‌های کنونی که ایشان حضور داشتن در بکارگیری در جنگ اطلاعات علیه تهدیدات نظامی کشور به میزان زیاد و خیلی زیاد ارزیابی می‌کنند.

آزمون نهایی فرضیه اول

بیان فرضیه اول: بکارگیری جنگ اطلاعات، شیوه‌ای ناهمطراز برای مقابله با تهدیدات نظامی که هم دوران دفاع مقدس و هم جنگ‌های کنونی (برون‌کشوری) است.
فرض صفر: H_0 بکارگیری جنگ اطلاعات، شیوه‌ای ناهمطراز برای مقابله با تهدیدات نظامی که هم دوران دفاع مقدس و هم جنگ‌های کنونی (برون‌کشوری) نیست.

فرض مقابل: H_1 : بکارگیری جنگ اطلاعات، شیوه‌ای ناهمطراز برای مقابله با تهدیدات نظامی که هم دوران دفاع مقدس و هم جنگ‌های کنونی (برون کشوری) است.

آزمون فرض آماری فرضیه اول

شاخص‌ها	طبقه اختصاص یافته	واریانس شاخص‌ها	میانگین میانگین‌های جامعه آماری
توانایی سردار شهید در بکارگیری جنگ اطلاعات	زیاد (۶۱-۸۰)	۲۱۷/۶	۲۰/۳
همکاری سردار شهید با نیروهای تحت امر خود	زیاد (۶۱-۸۰)	۲۲۸/۵	۱۸/۵۴
مدیریت سردار شهید همدانی	خیلی زیاد (۸۱-۱۰۰)	۱۷۴/۰	۲۴/۴
برنامه‌ریزی اطلاعاتی در موقع بحران	خیلی زیاد (۸۱-۱۰۰)	۱۶۳/۲	۲۵/۶
استفاده از شیوه‌های روز دنیا در جنگ اطلاعات	خیلی زیاد (۸۱-۱۰۰)	۱۸۴/۵	۲۲/۵
جمع کل (Σ)	-	۹۶۷/۸	۱۱۱/۳۴
میانگین نهایی	-	۱۹۳/۵۶	۲۲/۲۷

$$\mu = \frac{\sum \mu_i}{n} = \frac{111.92}{5} = 22.27$$

میانگین میانگین‌های آماری شاخص‌های متغیر تابع فرضیه اول

$$S^2 = \frac{\sum S_i}{n} = \frac{967.8}{5} = 193.56$$

میانگین واریانس‌های شاخص‌ها

$$S = \sqrt{193.56} = 13.91$$

انحراف معیار میانگین شاخص‌ها

$$S_x = \frac{S_x}{\sqrt{n}} = \frac{13.91}{\sqrt{5}} = 6.22$$

خطای انحراف معیار میانگین شاخص‌ها

$$P[22.27 - 1.96 \times 6.22 \leq \mu_x \leq 22.27 + 1.96 \times 6.22]$$

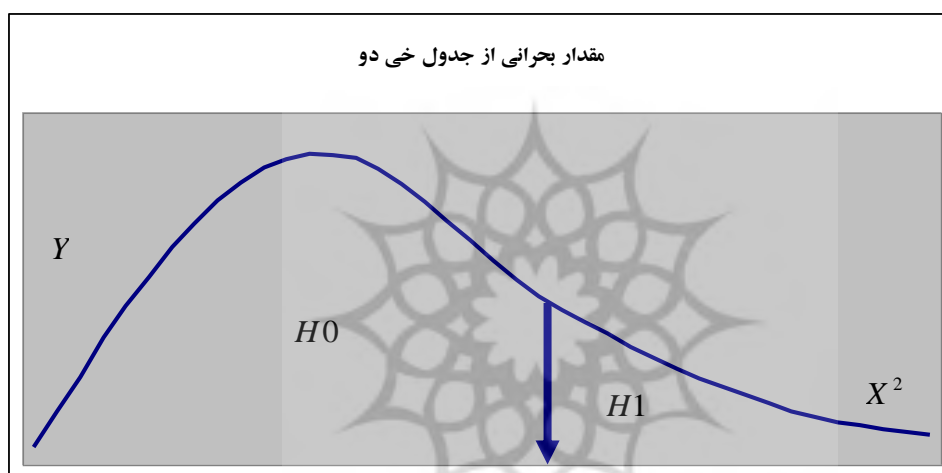
تخمین فاصله‌ای میانگین شاخص‌ها

$$10 \leq \mu_x \leq 35$$

تصمیم‌گیری

فرضیه اول

چون آماره آزمون از مقدار بحرانی بزرگتر است بنابراین آماره آزمون در ناحیه $h1$ قرار می‌گیرد در نتیجه فرضیه $h1$ پذیرفته می‌شود یعنی به عبارت دیگر جنگ اطلاعات، شیوه‌ای ناهمطراز برای مقابله با تهدیدات نظامی که هم دوران دفاع مقدس و هم جنگ‌های کنونی (برون‌کشوری) است، پذیرفته شده و مورد تأیید است.



۲۶/۲۹

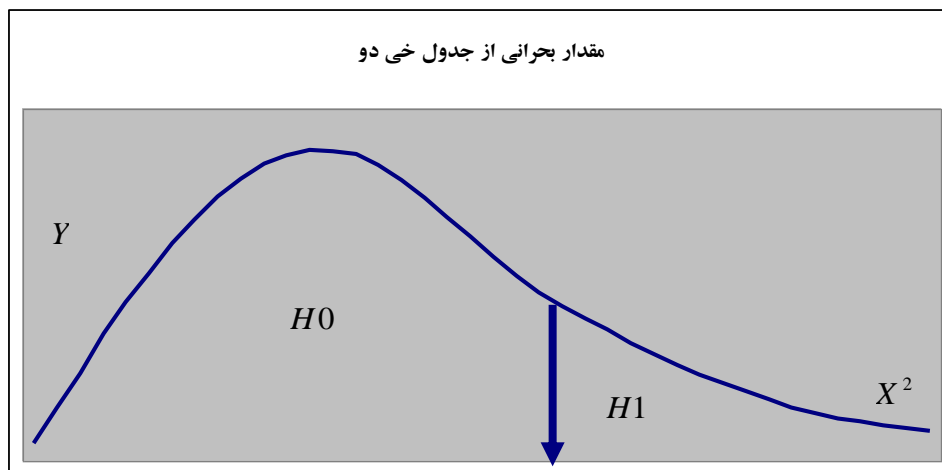
۴۵/۰۲

مقدار بحرانی

آماره آزمون

فرضیه دوم

چون آماره آزمون از مقدار بحرانی بزرگتر است بنابراین آماره آزمون در ناحیه $h1$ قرار می‌گیرد در نتیجه فرضیه $h1$ پذیرفته می‌شود یعنی به عبارت دیگر بکارگیری جنگ درون‌شهری (چریکی)، شیوه‌ای برای مقابله با تهدیدات نظامی نیاز به تخصصی بودن این دانش با استفاده از آموزه‌های نظامی می‌باشد. پذیرفته می‌شود و مورد تأیید است.



۲۴/۱۸
مقدار بحرانی

۶۳/۸۴
آماره آزمون



منابع

- ۱- خودسیانی، مصطفی، مرادپیری، هادی، خان احمدی، اسماعیل (۱۳۹۱)؛ بررسی نقش رهبری و فرماندهی نظامی در دفاع مقدس و جنگ آینده، مجله سیاست دفاعی، سال بیستم، شماره ۸۱.
- ۲- کرمی، رضا (۱۳۸۸)؛ ملاحظات اساسی در جنگ ناهمطراز، مدیریت نظامی، شماره ۳۴.
- ۳- حبیبی، نیک بخش (۱۳۸۶)؛ بررسی میزان تأثیر نبرد نامتقارن در مقابله با تهدیدات، مدیریت نظامی.
- ۴- پایگاه خبری تحلیلی فرهنگ ایثار و شهادت (۱۳۹۴)؛ نقش شهید همدانی در آموزش جنگ چریکی به ارتش سوریه.
- ۵- استیون، متر (۱۳۸۱)؛ عدم تقارن و راهبرد ایالات متحده (تعریف، زمینه و مفاهیم راهبردی)، ترجمه عبدالحسین حجت زاده، فصلنامه نگاه.
- ۶- میرزایی، رضا (۱۳۹۴)؛ گزارش دولت بهار.
- ۷- غلامعلی، رشید (۱۳۸۲)؛ درآمدی بر شناخت جنگ نامتقارن، مقدمه کتاب جنگ نامتقارن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی